

مرد عنکبوتی و

ددپول

جو کلی  
اد مگینس  
مارک مورالز  
جیسان کیث  
احمد کلاتیانی

COMIC CITY

www.comic-city.ir

MARVEL

کاری ویژه  
از  
کمیک سیتی!

... کلا دارم میگم که  
گره‌ی معلق قانع کننده‌ای بود. اگه  
میدیدیش با خودت فکر میکردی "وای اون  
گره ملوس‌ترین و دوست داشتنی‌ترین کله‌گره‌ی  
پرنده‌ایه که تا حالا باهاش حرف  
زدم."

و مهمتر از همه هم  
اینه که من تقریبا  
۸۵ درصد هوشیاری  
داشتم.

ددپول.

بله  
مرد عنکبوتی؟

همه اون ... "کلمات" سی  
که توی اون زباله‌دونی سمی که  
بهش میگی مغز میچرخه رو  
بگیر و خفه کن. تک تک  
بخشاشونو.

کلماتو بکش  
و فقط خفه شو!  
خفه شو!

ولی ...

خفه شو  
خفه شو خفه شو  
خفه شو!

میفهمم، یه کم  
وقت عنکبوتی میخوای.  
اوکیه ...

... ولی باید یه  
چیز دیگه هم بهت بگم، که  
از نظر این بنده‌ی حقیر، تنها و  
مهمترین چیز توی دنیاست که در  
این لحظه نیاز داری  
بدونی ...



اگه دست از  
وول خوردن برنداری، کاتانامو  
در مبارم درسته میکنم تو  
اون "گلهی عنکبوتیت".

از منظورم  
از "کاتانا" ...

**مشکله تو  
چییه؟!**

چی! امن یک مرد  
کانادایی! این همه وول  
خوردنا و مالیدنای اسپندکس روی  
چرم و اینا اصلا نتیجهی خوبی نداره،  
پس لطفا فقط دست از وول  
دادن تارات بردار ...

میشه فقط خفه  
شی و بذاری فکر  
کنم؟!

داد نزن  
سرم ... اونم جز  
چیزاییه که نتیجهی خوبی  
نداره.

Sum

10

12

18

فکر کردید  
اینجا میاید چی گیرتون  
میاد؟ وقتی ماه خون  
طلوع کنه، من هم  
طلوع میکنم ...

انسانهای موزی ...  
چقدر گستاخا کنه با مشیید  
میاید به زمینهای سوزان  
دورمامو، اونم در دوران  
نظارت من ...



اوه! حرف زدن این  
تبهکارا خیلی خوب آروم  
میکنه. حتی بهتر از اینکه یادم  
بیارم حموم اسفنج کردن موداک  
چه حسی داشت ...

خواهشا هرچی  
راجع به حکومت بین دنیاها توی  
ذهنته همین الان  
بنال..!

صبر کن بینم ...  
کی موداک و حموم  
اسفنج کردی؟

وقتی که بیزینس  
مزدوری خوب نباشه،  
مجبوری ... هه، منو  
قضاوت نکن!



بدانید که مرگتون  
بی ثمر نخواهد ماند ... زیرا  
که من نمیذارم شما بمیرید.  
شما قراره مدت‌های بسیار  
باز بچهی بی عقل‌ها  
بباشید ...

فقط به چیز نیاز  
داریم که بر علیه‌اش  
استفاده کنیم ...

اگه اهرم بخوای  
میتونم بهت بدم ...

اصلا خوب نیست.  
همیشه فکر میکردم وقتی  
که به روز به جا زدم میرم بغل  
یکی دیگه، حداقل به دلیل خوبی  
داره ..

امیدوارو وقتی  
که تا ابد به این صحنه  
فکر میکنی، جواب اینکه چرا  
من ازت خوشم نمیاد رو  
بگیری ...

بیخشید که میبرم  
وسط توهینت ...  
ولی فکر کنم ...

وید ...

الانه که ...

بابا بذار روحمونو  
بکشن بیرون بعدش  
هر غلطی خواستی  
بکن!  
اوه اوه ...

دورمامو، وقتی که  
مارو برای میلیون‌ها سال  
شکنجه میکنی، هم‌اش پشت  
سر همه یا که جداست؟  
واسم سواله.

واللهای خدا، هیچی از این دردناکتر نیست!!

POPP

یا خدا ... لگنت بود؟!؟

چطوری اینکارو کردی؟!؟

وقتی از خیر ترسش بگذری ... و از تاندونات و عضلات ... و قوانین فیزیک ... آسونه.

یه لطف میکنی؟ قبل اینکه از حال برم طنابو ببر ... چون اون موقع دیگه واقعا خودمو خیس میکنم.

تلاشتو تحسین میکنم، ولی هیچکدوممون با این نقشه پایان خوشی نداریم. یه شمشیر نمیتونه تارای منو بیره ...

مگه میشه؟!؟

تو به مواد مخلوط فیبر نانو سرامیکی دسترسی داری؟!؟

همین الان با کلی ادا اطوار یه شاه شیطانی رو خر کردم که بتونم لگن خودمو خورد کنم ...

ولی آره، یه چیز تیز علمی خریدم.

با این روابط عمومیت ترکوندی.

به روابط عمومی من کار نداشته باش آقای گروگانگیر!

تو منو آوردی تو جهنم! به معنای واقعی و غیر واقعی کلمه!



خیلی تو گذشته زندگی میکنی ...

ولی آفرین که بر خلاف اکثر مردم، از "به معنای واقعی کلمه" درست استفاده کردی.

فعلا میرم از درد په چرت بزمن.

آآآآآآآآآآآآ آییییییییی !!

تورو خدا!!!!!!

نخیر! حق نداری وقتی من دارم آخرین لحظات زندگیمو تو این خراب شده میگذرونم تو غش کنی ...!

شما حشرات کوچولو منو حسابی گیج کردین ... به ویژه تو عنکبوت.

په زمانی "مرد عنکبوتی" بودن په معنایی داشت. راستش واقعا نمیفهمم که چرا با ... اون میچرخ.

میخوای تو تعریف کنی چی شد رسیدیم اینجا یا خودم بگم؟

هی، لگنم رفت سر جاش! کارت خوب بود، دکتر عنکبوتی.

درد شما مایهی پروزیه ماست.



# کارخانه آب و فاضلاب رود شمالی

درسته به من  
خیلی ربطی نداره که بخوام  
انتقاد کنم، جناب آبی، ولی از  
محل اجرای نقشهات تا خود  
نقشهات، همه‌اش به درد لای  
جرز میخوره.

شرمنده البته،  
میدونم کار ساده‌ایه. ولی  
وقتی حتی گوش هم نمیدی،  
چرا تلاش کنم آخه؟

شلیک تار، از محفظه  
چهارم.

الان که داری تو  
میلیاردها مگاهرز بندری  
میزنی، فکری نداری؟ به جز اینکه  
”مرد عنکبوتی گلاب به روتون زد به  
اون تیکه آخر.“

و البته معذرت میخوام،  
نمیشه از شوخی‌هایی که به  
دستشویی مربوط میشه  
گذشت ...

فکر کثیف منم دقیقا  
همین بود.

فقط  
نه ... نه.

این چه وضعه سلام  
علیک با یه همکاره اونجوره ... ؟  
اوه، ببخشید. کاملا یادم رفته بود  
که تو از بهترین تیم خفناي  
کل تاریخ استعفا دادی.

خوشحالم که میبینم  
با قهرمان بازی خودتو  
سرگرم میکنی.

اینو نمیفهمی، ولی من  
در حال کمک کردن به یکی  
غیر از خودمم. پس آگه  
میشه ...

آره.  
مرد آبی،  
وای.

مثل این میمونه که  
سرطان و درمان کرده باشی، یا  
مثلا یه کار کرده باشی کنیه  
دست از خوانندگی برداره.  
خیلی خوبه.

بذار یه چیزی نشونت  
بدم که جز چیزای خفن  
به حساب میاد ...





داشتی با مرد آبی مسخره‌بازی  
میکردی و من مثل یه سوالیه پریدم  
وسط و آوردت درست تو یه نبرد  
برای تعیین سرنوشت دنیا اونم در  
سطح اونجرا!!

اگه "در سطح اونجرا  
بود" الان اونجرا اینجا  
بودن، نه تو!

اصلا به دکتر  
استرنج زنگ زدی؟  
اصلا نقشه‌ای  
دارین؟

بیش از حد  
فکر میکنی.

داره مغزمو  
اذیت میکنه.

اونا تو جیبت  
چیکار میکنن؟

خودتو آماده کن!  
من بهت ...

با عقلا رو  
معرفی میکنم!

این نقشه منه.  
درضمن، رفته بودم  
سرد خونه.

نه. نه.  
نه.

میدونم، واقعا!  
اصلا کسی بابت این روح  
کشی به ما پول میده؟

نه. امکان  
نداره اینطوری  
باشه.

خب ... ما داشتیم  
... میچنگیدیم فکر کنم؟  
به چه دلایلی ... ؟

همه جای این  
قضیه میلنگه.

کمک برسون  
عنکبوتکا!

یه مغز برا تو!  
یه مغز برا تو! یه مغز  
برا ... وایسا! آخ ببخشید،  
این یکی نارنجک بود.

دوتا  
مغز برا تو!

کجای وظایف  
کاری من نوشته بود  
"پوست کندن"؟

بی عقل ها! به  
شما دستور میدم تا  
پوست تنه اینارو ...

کلهی اون یارو  
همین الان ترکید! و من  
شرط میبدم حتی اسمش  
هم نمیدونی!

چطوری انتظار  
داری من بدون هیچ تشویقی  
با تمام توانم کار کنم؟ به تشکر  
هم کافیه حتی ... یا  
افزایش حقوق.

اسمش کارل  
بود! کارل!

شغل.  
مصاحبه؟

من غرق شدم.  
آره، خودشه. من  
تو مرد آبی غرق شدم  
و همه این تو  
خیالات ...

اصلا همچین چیزایی  
غیر ممکنه. جدی میگم. همه اینا  
چرت و پرته!

بووم! ما  
جهنمو با استفاده از  
مغزای دور ریخته شده مردم  
به گند کشیدیم!

تبریک میگم!  
این شغل مال تونه!

انتظار نداری که من  
هر اسکولی که به شلوار تنگ  
میوشید و دنبال کار میگشت  
و استخدام کنم که،  
داری؟

وگرنه که همه  
تئاترای گوشه خیابونی  
تعطیل میشد ...

از اینجا بمقمون  
کن بیرون ویدا!  
همین الان!

ولی کار خوبی  
کردی! هر بار که دورمامو  
میبره، یه املاکی کلی کاسبی  
میکنه ...

ویدا!



هیچوقت! تو هیچ زمانی! تو هیچ دنیایی من برای تو کار نمیکنم!

تو روانی ای! به موجود تماما رو مخی! من به خاطر تو از اونجرز استعفا دادم!

بیمه‌ی دندان پزشکی خوبی داریم...

هیچوقت فکر نمی‌کردم حسود باشی. به کتاب خودشناسی دارم، میتونه تو این وضعت کمکت کنه ...



اون کتاب و بگیر بکنش تو ...

پیشنهاد میکنم با فصل خشم شروع کنی.



تاری جان ... میدونم که راجع به این قضیه اونجرز به کم به هم ریخته‌ای، واسه همین دارم سعی میکنم به کار مفید بکنم.

شعبه‌هامو بیشتر کردم، مثله مک مزدور، شاه مرده، حسابی پول درمیارم.

از اونجایی که احتمالا کار کردن واسه اون پیتر پارکر احمق خیلی مزخرفه، و اینکه تو همین الانش هم طرح لباس منو دزدیدی، فکر کردم شاید بتونیم با هم به کارایی کنیم ...

من این لباس و خیلی قبلتر از اینکه ...

منظورت چیه پیتر پارکر احمقه؟



نمیتونی جز به درصدیا باشی مگر اینکه پا بذاری رو نود و نه درصد دیگه‌ی دنیا.

من قضاوت نمیکنم. همه‌مون به دورانی به کارایی کردیم که ازش شرمساریم. مثلاً به بار موجو به جوش پشتش در آورده بود ...

اولا که، اگه بخوام رک باشم، پیتز پارکر به نابغه‌است که داره دنیا رو به جای بهتری میکنه!

دوما که ...  
وای خدا! واسه به جلسه دیرم شده!

کمربند تلپورت؟  
داداش. اینو ببین.  
به هدیه از طرف خانومه.

قلاده‌ی طلسم شده این آقای خفن رو سر جاش نگه میداره. فقط کافیه به جایی که میخوام برم فکر کنم و به فشار به ایشون بدم و پوووف!

البته فقط واسه من کار میکنه، تو باید بری دنبال تار بازیت ...



تو گروه "ددپول بهترینه" ما چیزی به نام جلسه نداریم! خودت ساعات کاری رو تنظیم میکنی! خودت کارایی که میخوای و میگیری!

کاملاً مثل اوپر میمونه، منتها با قدرتای فراطبیعی، و درضمن، چک و سفته هم نمیگیریم ...

حالا که اینطوری میگی ... از این کمربندای تلپورت هم میگیرم؟



برو خودتو بمف کن.

...  
آدم بدی هستی.

هییییییی!!

گرررر!

**SNAP**



آنا ماریا ...

عصبا ...

جلسه‌ی لعنتی رو یادت رفت!!

آره، عصبانی‌ان! ولی آره، به کاریش کردم ...

من معذرت میخوام! ملکه‌ی جنا وقتی بهت به هدیه میده نمیتونی بگی نه ...

اینکارو نکن، آقای آبی کوچولوی ...

**عاقبت**



واقعا؟ این یکی دیگه به کم زیاده روی بود ...

واقعا؟ چونکه صنایع پارکر واقعا داره به سری بیمار رو برای درمان منتقل میکنه به په سری آزمایشگاههای محیط بسته.

که اگه به اون یادداشتات به نگاه میکردی، اینو میدونستی، اینبار با کی درگیر بودی؟

بهشون گفتم داری به سری مریض مبتلا به ابولا رو از سیرا لینون میبری بیرون.



مرد آبی ... راستی نابود کننده های سونیکمون هم کار میکنه ... ولی ددپول پیداش شد و منو تلبورت کرد به جهنم. یکی از وب شوترام هم توی بمف ترکید و جفتمونو لگن به لگن چسبوند به هم ...

اولا که هیچوقت دیگه نگو "لگن"، دوما که، برام مهم نیست، به عنوان همکاری باید بهت بگم که ...

... شدیدا داری گند میزنی به همه چی.



تو به من قسم خوردی که انرژی تو میذاری تا صنایع پارکر رو تبدیل به په نیروی قدرتمند برای صلاح دنیا کنی.

جنگیدن با آدم بدا تو جهنم جز کارای په مدیر عامل نیست. باید یکیشو انتخاب کنی پیتر .. و زود هم باید اینکارو کنی.

میدونم ... ولی من نمیتونم که همینطوری دست از مرد عنکبوتی بودن بردارم ...

میشه که ...



خب دیگه، بای بای فرمانده پارکر! اسپایدی باید بره سراغ کاراش ...

ول کن دیگه ویدا! گفتم که نه! و الان هم واقعا حوصله شو ...



دستت ... کار من بود؟

از هیچی پشیمون نیستم.

چیزی نیست بابا! من موقع هایی که داره اسکاینمکس نشون میده از این بدتر سر خودم آوردم! فقط خواستم بذارم په چیزی رو بدونی ...



احتمالا از بردن قهوه برای پارکر مهمتر نباشه، ولی ...

اون آقا آبی که گذاشتی در بره، په کم لول آپ کرده.

وای، نه.



هر نقشه‌ای که واسه  
این بابا داشتی، واقعا به  
درد لای جرز میخوره ...

**من قبلا این تیکه  
رو انداختم!**

یه دیوونه‌ی ۱۰۰ فوتی  
که از فاضلاب ساخته شده  
شوخی نیست تاری جون ...

خیلی خنده داره،  
چون میتونی رسماً طبیعت رو  
توش ببینی که دارن میچرخن،  
ولی شوخی نیست.

دویست  
میلیون دلار!

صد میلیون دلار.  
همین امروز. وگرنه کل شهر  
رو توی کثافت خودش  
غرق میکنم!

جالیه ... همین  
الان داشتیم راجع به  
کارای کثیفی که مردم برای یه  
قرون پول انجام میدن  
حرف میزدیم.

تو  
بردی.

شک دارم ...  
یه سیاره‌ای بود که  
توش از این چیزا به اندازه  
استرالیا داشت که همینطور  
میچرخیدن ...

یه چیزایی ... تو  
سوراخ دماغم ... و  
دهنمه ...

... که تا  
آخر عمرم قراره کابوسشو  
بینم.

شرمنده که من  
باید اینو بهت بگم، ولی ...  
تو کارتو نیمه کاره ول کردی و یه  
توالت متحرک رو انداختی به  
جون شهر نیو یورک. اشتباهتو  
قبول کن و ازش بگذر.

نیمه‌ی پرش اینه که  
میتونی خودتو خیس کنی یا  
حتی بدتر و کسی حتی نمیفهمه.  
اینم قبول کن.

نارنجک آتشنا  
داری؟

معلومه که  
دارم. تو یه شیشه  
گری پوپان داری؟

بدون شک.

البته یه جوک خیلی  
خوب "پ" دار رو سر  
پوپان یادت رفت.

خارج از موضوع،  
این سیستم خوددرمانیت  
تا چه حدیه؟

معركة است!  
در مقابلش وولورین شبیه  
یه آدم هموفیلیکه.

خودت بین دیگه، دستم  
بمف شده بود و الان تقریباً  
کامل برگشته سر ج...!

صبر کن بینم ...  
چرا یهو برات مهم  
شده؟!!

چونکه برخلاف تو،  
من یه قاتل نیستم، آقای  
"اونجر" ...

دوست دارم هم  
همینطوری نگاهی  
دارم.

این روش خوبی  
برای شروع یه رابطه‌ی  
کاری نیست!

من برات اون  
برنامه‌ی اخلاقیات رو  
میگیرم، مرتیکه‌ی تاریه  
پدر ...

# موتیو





واقعا خیلی سخته ...

میدونم که فکر میکنی من به اشغال. یه اشغال با یه کلید به برج اونچرز. ولی ...

من دارم سعی میکنم عوض شم، و میدونی چیه؟





سخته که بخوام سعی کنم بیشتر مثل تو باشم. واسه همین فکر کردم که شاید ... اگه به مدت با هم رفیق باشیم ...

که بهت یاد بدم که چی ...؟ چطوری خوب باشی؟ چطوری به "قهرمان" باشی؟



نه، این چیزا یاد دادنی نیست. به دست آوردنیه.

فکر کردم اگه باهات بگردم، کار درست و کنارت انجام بدم، بتونم به دستش بیارم ...

... و شاید احترام تو هم به دست بیارم.



خب، من باید برم. برو به کم گربه مرههارو لگد کن یا هرچی.

هر موقع کمک خواستی، یا خواستی سریال چهره های مرگ یا آناتومی طوسی یا هر چی ببینی، به زنگ بم بزن.



WEAAM

سطل آشغال خالی بود ... آآآآ آخ ... درد داره!



فقط ازش متتفر باش ...

ازش متتفر باش. راحتی. سالهاست که داری اینکارو میکنی. فقط ...

...

کلی جلسه روانشناسی نیاز دارم.



ما سر صد  
توافق کرده  
بودیم.

آره، ولی  
کار نکرد که یعنی  
تو کارت بده و منم نصفشو  
میدم.



"من کارم بده"؟!  
قربان، محض اطلاعاتون  
من توی شهر طبیس  
تعلیم دیدم!

من با گنده‌های  
درام نویس کار کردم!  
ارستوفان!  
یومنید!  
افلاطون!

با  
زر-نزن-طون هم کار  
کردی؟ کارش  
خوبه.

این که گفتی  
نمیشناسم ...  
زر نزن طون؟  
بازیگره؟



هه، آره، تو فیلم  
"لیوانم بیش از حد پره‌ی"  
تفلیکس بازی کرده.

هفتاد و پنجا  
روح. همه‌اش خرج  
کلاس بازیگری شد ..

ای جونمی جون.

واسه رفتن از  
اینجا لحظه شماری  
میکنم.



خب دیگه حالا  
هرچی. کار واقعی دارم  
که بهش برسم ...

دیگه وقت فیلم  
بازی کردن نیست.



خب ... حالا  
قراره به دست  
بیارمش یا به آتیش  
بکشمش؟

SWIPE

ایم به نشونه‌است  
از سمت دنیا.

«پوف»

مسیر بهتر رو  
رفتن واقعا کار  
پسجیده‌ایه.

خوب و قهرمانانه

هدف: پیتر پارکر،  
مدیر عامل صنایع پارکر.  
کارمزد: ۱۰۰ میلیون دلار

باید بزنم زندگیه  
پیتر پارکر رو به مرگ  
تبدیل کنم.

کار قهرمانانه‌است  
که باید انجام بدم.

واقعا امیدوارم که  
من و مرد عنکبوتی بازم بعد  
اینکه رئیسش و میکشم بتونیم  
رفیق باشیم.  
بوم.

پایان قسمت اول

# مارول کامیکس

با کمال بی میلی تقدیم میکند ...



پیتر پارکر از یه عنکبوت رادیواکتیو نیش خورد، و این بهش قدرت‌های شگفت‌انگیز داد، نظیر سرعت فوق‌العاده، قدرت و چابکی یک عنکبوت، و انگشتان چسبناک. بعد از اینکه یاد گرفت که با قدرت بزرگ، وظیفه‌ی بزرگ هم میاد، تبدیل به بزرگترین قهرمان دنیا شد. او کسی نیست جز ...

## مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز

اونجر ... قاتل ... سوپرستار! وید ویلسون برای یک برنامه‌ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش قدرت ترمیم از هرگونه زخمی رو داد. در کنار در آوردن پول ناچیزی به عنوان یک مزدور آماده‌ی استخدام، وید تبدیل شد به پرطرفدارترین قهرمان دنیا. و آلان ستاره‌ی بزرگترین مجله‌ی کمیک دنیاست (مهم نیست اون مرتیکه‌ی صدش کنین مزدور و راج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...



# ددپول

## واقعا برادرانه نیست؟

بخش  
اول

JOE KELLY WRITER • ED McGUINNESS PENCILER • MARK MORALES INKER  
JASON KEITH COLOR ARTIST • VC'S JOE SABINO LETTERER

SPIDER-MAN CREATED BY  
STAN LEE AND STEVE DITKO  
DEADPOOL CREATED BY  
FABIAN NICIEZA AND ROB LIEFELD

ED McGUINNESS, MARK MORALES, AND MARTE GRACIA COVER ARTISTS  
ALEX KROPINAK (TOY PHOTO); DAVE JOHNSON (HIP-HOP); JOHN TYLER CHRISTOPHER (ACTION FIGURE);  
MICHAEL DEL MUNDO VARIANT COVER ARTISTS MANNY MEDEROS TITLE PAGE DESIGN  
DEVIN LEWIS ASSISTANT EDITOR • JORDAN D. WHITE AND NICK LOWE EDITORS  
AXEL ALONSO EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER  
DAN BUCKLEY PUBLISHER ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

COMIC CITY

www.comic-city.ir

© 2016 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM

# میخواهی بدونی تو قسمت بعدی چی میشه؟



**COMIC CITY**

[www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

ترجمه شده توسط:

# کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins  
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman